

# نظریهٔ توسعه

فرهنگ، اقتصاد، جامعه

نویسنده:

جان ندروین پیترز

مترجم:

انور محمدی

با پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی



نشر گل آذین

## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی کتاب
۱۱	پیشگفتار چاپ دوم
۱۷	پدمه
۲۱	فصل ۱. روندهای موجود در نظریه توسعه
۲۱	۱.۱. تردید در توسعه
۲۳	۲.۱. وضعیت نظریه توسعه
۲۸	۳.۱. معانی توسعه در طول زمان
۳۳	۴.۱. توسعه، مبارزه است
۳۶	۵.۱. رشته توسعه
۳۹	۶.۱. روندهای غالب در نظریه توسعه
۴۲	۷.۱. پژوهش میان‌رشته‌ای
۴۳	۸.۱. تحلیل گفتمان
۴۶	۹.۱. فرهنگ و توسعه
۴۷	۱۰.۱. واحد توسعه
۴۸	۱۱.۱. همکاری‌های بین‌بخشی
۵۱	فصل ۲. معضلات گفتمان توسعه: بحران توسعه‌گرایی و روش تطبیقی
۵۱	۱.۲. از تکامل‌گرایی تا توسعه
۶۳	۲.۲. توسعه به‌مثابه رستگاری
۶۶	۳.۲. بحران توسعه‌گرایی
۶۸	۴. گزیندها
۷۱	۵.۲. از وضعیت دوقطبی تا تعدد قطب‌ها
۷۳	۶.۲. واسازی غرب

۷۹	فصل ۳. تحول نظریه توسعه: به سوی جهان گرایی انتقادی
۸۱	۱.۳ مفاهیم تغییر
۸۷	۲.۳ تکثر نظریه‌های توسعه
۹۳	۳.۳ نوآوری بازانديشانه
۹۷	۴.۳ نظریه پردازی توسعه جهانی: جهان گرایی انتقادی
۱۰۷	فصل ۴. قطع ارتباط یا جهانی شدن
۱۲۳	فصل ۵. چرخش فرهنگی در توسعه: مسئله قدرت
۱۲۴	۱.۵ فرهنگ ملی
۱۲۸	۲.۵ فرهنگ محلی
۱۳۳	۳.۵ فرهنگ/ قدرت
۱۳۵	۴.۵ برجسته شدن فرهنگ در معادلات توسعه
۱۴۴	۵.۵ توسعه و آزادی فرهنگی
۱۵۳	فصل ۶. پارادایم من یا شما؟ گونه‌های توسعه جایگزین
۱۵۵	۱.۶ توسعه جایگزین
۱۶۵	۲.۶ پارادایم توسعه جایگزین
۱۷۰	۳.۶ عاملیت
۱۷۱	۴.۶ سازمان‌های غیردولتی
۱۷۳	۵.۶ سیاست‌های جدید
۱۷۴	۶.۶ توسعه دورن‌زا
۱۷۶	۷.۶ توسعه قومی
۱۷۸	۸.۶ روش‌شناسی
۱۷۸	۹.۶ معرفت‌شناسی
۱۷۹	۱۰.۶ دانش بومی
۱۸۱	۱۱.۶ همکاری توسعه
۱۸۳	۱۲.۶ راهبردهای پارادایم
۱۸۷	۱۳.۶ جریان غالب توسعه

۱۹۰	۱۴.۶ نتیجه‌گیری
۱۹۵	فصل ۷. بعد از پساتوسعه
۱۹۷	۱.۷ برجسته‌سازی فقر
۱۹۹	۲.۷ توسعه = غربی‌سازی
۲۰۱	۳.۷ نقد مدرنیسم
۲۰۳	۴.۷ توسعه به مثابه گفت‌وگو
۲۰۵	۵.۷ جایگزین‌های توسعه
۲۰۶	۶.۷ ضدمدیریت گرایی
۲۰۸	۷.۷ دوگانه‌اندیشی
۲۰۹	۸.۷ سیاست‌های پساتوسعه
۲۱۴	۹.۷ سخن آخر
۲۱۹	فصل ۸. برابری و رشد بازانديشانه: از توسعه انسانی تا توسعه اجتماعی
۲۲۳	۱.۸ توسعه اجتماعی
۲۲۶	۲.۸ توزیع مجدد همراه با رشد
۲۲۹	۳.۸ درس‌هایی از شرق آسیا
۲۳۱	۴.۸ توسعه انسانی
۲۳۴	۵.۸ درس‌هایی از دولت‌های رفاهی
۲۳۸	۶.۸ سرمایه اجتماعی
۲۴۳	۷.۸ نتیجه‌گیری
۲۴۹	فصل ۹. کل‌نگری انتقادی و ثانوی توسعه
۲۵۰	۱.۹ درمان کردن درمان‌ها
۲۵۴	۲.۹ تمامیت، کل‌نگری
۲۶۰	۳.۹ تناقضات مدرنیته
۲۶۲	۴.۹ توسعه و مدرنیسم والا
۲۶۵	۵.۹ میان‌برها و درمان‌های دیگر
۲۷۰	۶.۹ به سوی ثانوی توسعه

**فصل ۱۰. سرمایه‌داری دیجیتال و توسعه: سبک نامناسب فناوری اطلاعات و**

ارتباطات در توسعه ..... ۲۸۵  
 ۱.۱۰ کاهش شکاف دیجیتال ..... ۲۸۶  
 ۲.۱۰ اطلاعات برای توسعه به‌عنوان یک بسته عملکردی ..... ۲۹۰  
 ۳.۱۰ سرمایه‌داری دیجیتال << آرمان شهر سایبری ..... ۲۹۶  
 ۴.۱۰ اطلاعات برای توسعه و مطالعات توسعه ..... ۳۰۰  
 ۵.۱۰ اطلاعات برای توسعه و سیاست‌گذاری توسعه ..... ۳۰۲

**فصل ۱۱. آینده‌های توسعه**

۱.۱۱ آینده تفکر توسعه ..... ۳۱۴  
 ۲.۱۱ نظریه نوسازی ..... ۳۱۴  
 ۳.۱۱ نظریه وابستگی ..... ۳۱۵  
 ۴.۱۱ اقتصاد نوکلاسیک ..... ۳۱۶  
 ۵.۱۱ توسعه جایگزین ..... ۳۱۷  
 ۶.۱۱ توسعه انسانی ..... ۳۱۸  
 ۷.۱۱ پساتوسعه ..... ۳۱۹  
 ۸.۱۱ توسعه و پیچیدگی سیاست‌ها ..... ۳۲۱  
 ۹.۱۱ پیچیدگی سیاست‌گذاری ..... ۳۲۶  
 ۱۰.۱۱ بازسازی ..... ۳۳۴

**فصل ۱۲. جهانی شدن قرن بیست و یکم و توسعه**

۱.۱۲ جهانی شدن قرن بیست و یکم ..... ۳۴۶  
 ۲.۱۲ نقاط عطف ..... ۳۴۹  
 ۳.۱۲ عصر جدید توسعه ..... ۳۵۰  
 ۴.۱۲ کثرت‌گرایی توسعه ..... ۳۶۳  
 ۵.۱۲ همکاری بین‌المللی توسعه ..... ۳۶۶  
 ۶.۱۲ پس از بحران ..... ۳۶۸

**منابع و مآخذ ..... ۳۷۵**

**پیشگفتار نویسنده  
 بر ترجمه فارسی کتاب**

این کتاب مربوط به تغییرات حاصل شده در آگاهی و دانش توسعه در بیش از صد و پنجاه سال گذشته است، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، یا آنچه که به اصطلاح "نظریه مدرن توسعه" می‌توان نامید. آگاهی توسعه اشاره به رویکردی آینده‌محور و دورن‌گر برای سازماندهی جامعه، بر مبنای طیفی وسیع از تضمین بقای حیات گرفته تا مدیریت ریسک‌ها به‌منظور موفقیت در انجام این کار دارد. این آگاهی اشاره به نظریات اصلی در تفکر و سیاست توسعه با عنایت خاص به کشورهای در حال توسعه و جنوب جهان دارد. این آگاهی مراحل بسیاری را از سر گذرانده است. شامل مهندسی اجتماعی مدرنیستی قرن نوزدهم؛ آرمان شهرگرایی پوزیتویستی، سوسیالیستی، و علمی؛ سیاست‌های جبران عقب‌ماندگی؛ تفکر توسعه استعماری؛ نظریه نوسازی آمریکایی پس از جنگ، نظریه وابستگی، تفکر توسعه جایگزین، ظهور بیره‌های اقتصادی شرق آسیا، اجماع واشنگتن، ظهور چین، و غیره.

تفکر توسعه جامع‌تر از صرف رشد اقتصادی است. چنین تفکری مستلزم اشکال وسیع‌تری از انعطاف‌پذیری اجتماعی و جمعی است. استانداردهای اخیر و جهت‌گیری‌های کلی نوین در تفکر توسعه، توسعه پایدار (توسعه با توجه به نسل‌های آینده)، توسعه فراگیر (توجه به اکثریت جمعیت، نه فقط نخبگان)، و تحلیل نهادی (توجه به مسئله حکمرانی) است. البته، در کنار این همه، توسعه عرصه مبارزه است، منشوری از منافع گوناگون و جناح‌های رقیب که هر یک به نحوی در پی اعمال نفوذ خویش هستند.

خاورمیانه در قرن بیست و یکم تصویری ترکیبی دارد، برخی بخش‌ها گام‌های

بدیل، اقتصاد سیاسی و غیره) از آن رو حائز اهمیتند که به طور قطع به درک پیچیدگی‌های توسعه کمک بیشتری خواهند کرد. در جریان پیچیده توسعه، رویکردهای خرد هم توانسته‌اند فرصت بروز یابند، اگرچه تحت ظرافت فنی و مداخله مدیریتی قرار می‌گیرند. به واقع، برداشت مدیریتی از دانش و مهارت، خود بخشی از مشکل است. بررسی جامع دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف منتج به ارزیابی صحیح تری از توسعه می‌شود. باید توجه داشت که خطاپذیری و بی‌انتهایی، ویژگی‌های ضروری تفکر توسعه هستند، و آنچه برای هر یک از این رویکردها اهمیت دارد، قابلیت و توان بازاندیشی است؛ در این زمینه، علاوه بر چستی و ماهیتی که هر یک از این رویکردها برای توسعه در نظر می‌گیرند، باید به چگونگی و طریقی که برای حصول به این هدف معرفی می‌کنند اهمیت داد، این مسئله حتی در مورد رویکرد کل‌نگری انتقادی نیز صادق است، زیرا این احتمال وجود دارد که کل‌نگری تبدیل به راهی همه‌منظوره فارغ از دغدغه‌های توسعه گردد. این ملاحظات اساساً در راستای کمک به اجتناب از نتیجه‌گیری‌هایی جزم‌گرایانه و افزایش قابلیت بازاندیشی هستند. البته این احتمال برای بازاندیشی هم باز است که تبدیل به دارویی نامناسب شود؛ بنابراین، قابلیت بازاندیشی هم باید به لحاظ سیاسی تواناکننده بوده و هم در خدمت علایق رهایی‌بخش باشد.

از ترکیب اصطلاح‌هایی که در عنوان فرعی کتاب آورده‌ام [واسازی/بازسازی]، پیداست که نباید واسازی را در همان معنای همیشگی (واژگون‌سازی) به کار گرفت (به نقل از ویلت ۱۹۹۲: ۲-۳). در نتیجه، بازسازی نیز واجد همان بار معنایی همیشگی نیست. در این کتاب، منظور ما، بازسازی راه‌های پیش‌رو و جایگزین‌های آینده است که، بافت‌گرا و محدود به زمان هستند، گویی با گذشت زمان آن‌ها خود مستلزم واسازی بوده و بعد از آن بار دیگر بازسازی‌های دیگری سر برمی‌آورند، و به واقع، این راه درست‌تری به نظر می‌آید. کانون فصل ۱ این باور است که توسعه یک مبارزه است، به طور دقیق توسعه مبارزه‌ای است بر سر آینده‌های ممکن، مبارزه‌ای بس بزرگ و پیچیده.

## فصل ۱

### روندهای موجود در نظریه توسعه

#### ۱.۱ تردید در توسعه<sup>۱</sup>

از زمان آغاز مباحث توسعه، همواره دولت واحد اصلی آن بوده است، اما مدتی است که جهانی شدن و محلی شدن نیز اهمیت فراوانی یافته‌اند، و نهادهای بین‌المللی و نیروهای بازار در توسعه بیش از دولت اهمیت دارند. هدف قدیمی توسعه، یعنی نوسازی یا تلاش برای رسیدن به کشورهای پیشرفته، مورد تردید قرار گرفته، زیرا نوسازی بلندپروازی آشکاری بیش نیست. مدرنیته به دلیل مشکلات زیست‌محیطی و پیامدهای تغییرات تکنولوژیکی و بسیاری از مشکلات دیگر چندان جذاب به نظر نمی‌رسد. غربی شدن در زمانه‌ای که تنوع فرهنگی و فرهنگ محلی دوباره ارزش یافته نمی‌تواند مردم جهان را قانع کند. ایرادی که می‌توان بر نظریه‌های گوناگون مدرنیته وارد کرد این است که اساساً باید پرسید حرکت به سوی کدام مدرنیته؟ با آن که چندین دهه از عمر توسعه می‌گذرد، هنوز نتوانسته بسیاری از انتظارات بشر را برآورده سازد، به ویژه در آفریقا، بخش‌هایی از آمریکای لاتین و جنوب آسیا. ادعاهای جهان‌شمول اقتصاد نوکلاسیک و سیاست‌های تعدیل ساختاری، پایه و اساس مطالعات توسعه را تضعیف کرده است. این مسئله در کشورهای در حال توسعه بسیار حاد بوده است.

آیا همه این‌ها به معنی پایان توسعه نیست؟ هرچه توسعه پیشنهاد کرده مورد تردید قرار گرفته و دچار بحران شده است. دیدگاه‌های مختلفی درباره این بحران‌ها